

## جدول افعال

مصدر	گذشته ساده	گذشته استمراری	گذشته نقلی	مضارع اخباری	مضارع التزامی	حال استمراری	امر مفرد	آینده
آفریدن (را)	آفرید	می آفرید	آفریده (است)	می آفریند	بیافریند	دارد می آفریند	بیافرین	خواهد آفرید
آمدن (از، به)	آمد	می آمد	آمده (است)	می آید	بیاید	دارد می آید	بیا	خواهد آمد
آوردن (را، از، به)	آورد	می آورد	آورده (است)	می آورد	بیاورد	دارد می آورد	بیاور	خواهد آورد
ادامه داشتن	ادامه داشت	(ادامه می داشت) ادامه داشت	ادامه داشته (است)	ادامه دارد	ادامه داشته باشد	(دارد ادامه می دارد) ادامه دارد	-----	ادامه خواهد داشت
ارزان شدن	ارزان شد	ارزان می شد	ارزان شده (است)	ارزان می شود	ارزان شود	دارد ارزان می شود	-----	ارزان خواهد شد
ارزان کردن (را)	ارزان کرد	ارزان می کرد	ارزان کرده (است)	ارزان می کند	ارزان بکند (کند)	دارد ارزان می کند	ارزان بکن (کن)	ارزان خواهد کرد
چیزی (را) استفاده کردن (از) چیزی استفاده کردن	استفاده کرد	استفاده می کرد	استفاده کرده (است)	استفاده می کند	استفاده بکند (کند)	دارد استفاده می کند	استفاده بکن (کن)	استفاده خواهد کرد
امتحان دادن (را)	امتحان داد	امتحان می داد	امتحان داده (است)	امتحان می دهد	امتحان بدهد	دارد امتحان می دهد	امتحان بده	امتحان خواهد داد
ایثار کردن (را)	ایثار کرد	ایثار می کرد	ایثار کرده (است)	ایثار می کند	ایثار بکند (کند)	دارد ایثار می کند	ایثار بکن (کن)	ایثار خواهد کرد
باز کردن (را)	باز کرد	باز می کرد	باز کرده (است)	باز می کند	باز بکند (کند)	دارد باز می کند	باز بکن (کن)	باز خواهد کرد
بازگشتن (از، به)	بازگشت	باز می گشت	بازگشته (است)	باز می گردد	باز گردد	دارد باز می گردد	باز گرد	باز خواهد گشت
بازی کردن (با)	بازی کرد	بازی می کرد	بازی کرده (است)	بازی می کند	بازی بکند (کند)	دارد بازی می کند	بازی بکن (کن)	بازی خواهد کرد
بحث کردن (با)	بحث کرد	بحث می کرد	بحث کرده (است)	بحث می کند	بحث بکند (کند)	دارد بحث می کند	بحث بکن (کن)	بحث خواهد کرد
بخشیدن (را، به)	بخشید	می بخشید	بخشیده (است)	می بخشد	بخشد	دارد می بخشد	بخش	خواهد بخشید
برخاستن (از)	برخاست	بر می خاست	برخاسته (است)	بر می خیزد	برخیزد	دارد بر می خیزد	برخیز	خواهد برخاست
بردن (را، از، به)	برد	می برد	برده (است)	می برد	ببرد	دارد می برد	ببر	خواهد برد
برگزار کردن (را)	برگزار کرد	برگزار می کرد	برگزار کرده (است)	برگزار می کند	برگزار بکند (کند)	دارد برگزار می کند	برگزار بکن (کن)	برگزار خواهد کرد

مصدر	گذشته ساده	گذشته استمراری	گذشته نقلی	مضارع اخباری	مضارع التزامی	حال استمراری	امر مفرد	آینده
برگشتن (از، به)	برگشت	برمی‌گشت	برگشته (است)	برمی‌گردد	برگردد	دارد برمی‌گردد	برگرد	بر خواهد گشت
بستن (را)	بست	می‌بست	بسته (است)	می‌بندد	ببندد	دارد می‌بندد	ببند	خواهد بست
بلد بودن (را)	بلد بود	بلد می‌بود	بلد بوده (است)	(بلد می‌باشد) بلد است	بلد باشد	(دارد بلد می‌باشد) بلد است	بلد باش	بلد خواهد بود
بلند شدن (از)	بلند شد	بلند می‌شد	بلند شده (است)	بلند می‌شود	بلند بشود	دارد بلند می‌شود	بلند بشو (شو)	بلند خواهد شد
بودن (در)	بود	می‌بود	بوده (است)	(می‌باشد) است	باشد	(دارد می‌باشد) است	باش	خواهد بود
بوییدن (را)	بویید	می‌بویید	بوییده (است)	می‌بوید	ببویید	دارد می‌بوید	ببو (ی)	خواهد بویید
بیدار شدن (از)	بیدار شد	بیدار می‌شد	بیدار شده (است)	بیدار می‌شود	بیدار بشود	دارد بیدار می‌شود	بیدار بشو (شو)	بیدار خواهد شد
بیدار کردن (را، از)	بیدار کرد	بیدار می‌کرد	بیدار کرده (است)	بیدار می‌کند	بیدار بکند (کند)	دارد بیدار می‌کند	بیدار بکن (کن)	بیدار خواهد کرد
بیرون رفتن (از)	بیرون رفت	بیرون می‌رفت	بیرون رفته (است)	بیرون می‌رود	بیرون برود	دارد بیرون می‌رود	بیرون برو	بیرون خواهد رفت
پختن (را)	پخت	می‌پخت	پخته (است)	می‌پزد	پزد	دارد می‌پزد	پیز	خواهد پخت
پرداخت کردن (را، به)	پرداخت کرد	پرداخت می‌کرد	پرداخت کرده (است)	پرداخت می‌کند	پرداخت بکند (کند)	دارد پرداخت می‌کند	پرداخت بکن (کن)	پرداخت خواهد کرد
پرداختن (را، به)	پرداخت	می‌پرداخت	پرداخته (است)	می‌پردازد	پردازد	دارد می‌پردازد	پرداز	خواهد پرداخت
پرسیدن (را، از)	پرسید	می‌پرسید	پرسیده (است)	می‌پرسد	پرسد	دارد می‌پرسد	پیرس	خواهد پرسید
پوشیدن (را)	پوشید	می‌پوشید	پوشیده (است)	می‌پوشد	پوشد	دارد می‌پوشد	پپوش	خواهد پوشید
پیاده آمدن (از، تا، با)	پیاده آمد	پیاده می‌آمد	پیاده آمده (است)	پیاده می‌آید	پیاده بیاید	دارد پیاده می‌آید	پیاده بیا	پیاده خواهد آمد
پیاده رفتن (از، تا، با)	پیاده رفت	پیاده می‌رفت	پیاده رفته (است)	پیاده می‌رود	پیاده برود	دارد پیاده می‌رود	پیاده برو	پیاده خواهد رفت
پیاده روی کردن (از، تا، با)	پیاده روی کرد	پیاده روی می‌کرد	پیاده روی کرده (است)	پیاده روی می‌کند	پیاده روی بکند (کند)	دارد پیاده روی می‌کند	پیاده روی بکن (کن)	پیاده روی خواهد کرد
پیاده شدن (از، با)	پیاده شد	پیاده می‌شد	پیاده شده (است)	پیاده می‌شود	پیاده بشود (شود)	دارد پیاده می‌شود	پیاده بشو (شو)	پیاده خواهد شد
پیاده کردن (را، از)	پیاده کرد	پیاده می‌کرد	پیاده کرده (است)	پیاده می‌کند	پیاده بکند (کند)	دارد پیاده می‌کند	پیاده بکن (کن)	پیاده خواهد کرد
پیچیدن (با، از، به)	پیچید	می‌پیچید	پیچیده (است)	می‌پیچد	پیچد	دارد می‌پیچد	پیچ	خواهد پیچید
پیروز شدن (در)	پیروز شد	پیروز می‌شد	پیروز شده (است)	پیروز می‌شود	پیروز بشود (شود)	دارد پیروز می‌شود	پیروز بشو (شو)	پیروز خواهد شد
تاریک شدن	تاریک شد	تاریک می‌شد	تاریک شده (است)	تاریک می‌شود	تاریک بشود (شود)	دارد تاریک می‌شود	-----	تاریک خواهد شد

مصدر	گذشته ساده	گذشته استمراری	گذشته نقلی	مضارع اخباری	مضارع التزامی	حال استمراری	امر مفرد	آینده
تاریک کردن (را)	تاریک کرد	تاریک می کرد	تاریک کرده (است)	تاریک می کند	تاریک بکند (کند)	دارد تاریک می کند	تاریک بکن (کن)	تاریک خواهد کرد
تدریس کردن (را، در)	تدریس کرد	تدریس می کرد	تدریس کرده (است)	تدریس می کند	تدریس بکند (کند)	دارد تدریس می کند	تدریس بکن (کن)	تدریس خواهد کرد
تورک کردن (را)	تورک کرد	تورک می کرد	تورک کرده (است)	تورک می کند	تورک بکند (کند)	دارد تورک می کند	تورک بکن (کن)	تورک خواهد کرد
تزریق کردن (در، را، به)	تزریق کرد	تزریق می کرد	تزریق کرده (است)	تزریق می کند	تزریق بکند (کند)	دارد تزریق می کند	تزریق بکن (کن)	تزریق خواهد کرد
تشریف آوردن (از، به)	تشریف آورد	تشریف می آورد	تشریف آورده (است)	تشریف می آورد	تشریف بیاورد	دارد تشریف می آورد	تشریف بیاور	تشریف خواهد آورد
تشریف بردن (از، به)	تشریف برد	تشریف می برد	تشریف برده (است)	تشریف می برد	تشریف ببر	دارد تشریف می برد	تشریف ببر	تشریف خواهد برد
تصمیم گرفتن	تصمیم گرفت	تصمیم می گرفت	تصمیم گرفته (است)	تصمیم می گیرد	تصمیم بگیرد	دارد تصمیم می گیرد	تصمیم بگیر	تصمیم خواهد گرفت
تلفن زدن (از، به، در)	تلفن زد	تلفن می زد	تلفن زده (است)	تلفن می زند	تلفن بزند	دارد تلفن می زند	تلفن بزن	تلفن خواهد زد
تلفن کردن (از، به، در)	تلفن کرد	تلفن می کرد	تلفن کرده (است)	تلفن می کند	تلفن بکند (کند)	دارد تلفن می کند	تلفن بکن (کن)	تلفن خواهد کرد
تماشا کردن (را، در)	تماشا کرد	تماشا می کرد	تماشا کرده (است)	تماشا می کند	تماشا بکند (کند)	دارد تماشا می کند	تماشا بکن (کن)	تماشا خواهد کرد
تمام شدن	تمام شد	تمام می شد	تمام شده (است)	تمام می شود	تمام بشود (شود)	دارد تمام می شود	تمام بشو (شو)	تمام خواهد شد
تمام کردن (را)	تمام کرد	تمام می کرد	تمام کرده (است)	تمام می کند	تمام بکند (کند)	دارد تمام می کند	تمام بکن (کن)	تمام خواهد کرد
جشن گرفتن (در)	جشن گرفت	جشن می گرفت	جشن گرفته (است)	جشن می گیرد	جشن بگیرد	دارد جشن می گیرد	جشن بگیر	جشن خواهد گرفت
جنگ کردن (با، در)	جنگ کرد	جنگ می کرد	جنگ کرده (است)	جنگ می کند	جنگ بکند (کند)	دارد جنگ می کند	جنگ بکن (کن)	جنگ خواهد کرد
جنگیدن (با، در)	جنگید	می جنگید	جنگیده (است)	می جنگد	بجنگد	دارد می جنگد	بجنگ	خواهد جنگید
جویدن (را)	جوید	می جوید	جویده (است)	می جود	بجوید	دارد می جود	بجو	خواهد جوید
چسبیدن (به)	چسبید	می چسبید	چسبیده (است)	می چسبد	بچسبد	دارد می چسبد	بچسب	خواهد چسبید
حاضر شدن (در)	حاضر شد	حاضر می شد	حاضر شده (است)	حاضر می شود	حاضر شود	دارد حاضر می شود	حاضر بشو (شو)	حاضر خواهد شد
حرف زدن (با، در)	حرف زد	حرف می زد	حرف زده (است)	حرف می زند	حرف بزند	دارد حرف می زند	حرف بزن	حرف خواهد زد
خارج شدن (از)	خارج شد	خارج می شد	خارج شده (است)	خارج می شود	خارج بشود (شود)	دارد خارج می شود	خارج بشو (شو)	خارج خواهد شد
خریدن (را، از)	خرید	می خرید	خریده (است)	می خرد	بخرید	دارد می خرد	بخر	خواهد خرید
خسته بودن (از)	خسته بود	خسته می بود	خسته بوده (است)	(خسته می باشد) خسته است	خسته باشد	(دارد خسته می باشد) خسته است	خسته باش	خسته خواهد بود

مصدر	گذشته ساده	گذشته استمراری	گذشته نقلی	مضارع اخباری	مضارع التزامی	حال استمراری	امر مفرد	آینده
خسته شدن (از)	خسته شد	خسته می‌شو	خسته شده (است)	خسته می‌شود	خسته بشود (شود)	دارد خسته می‌شود	خسته بشو (شو)	خسته خواهد شد
خسته کردن (را)	خسته کرد	خسته می‌کرد	خسته کرده (است)	خسته می‌کند	خسته بکند (کند)	دارد خسته می‌کند	خسته بکن (کن)	خسته خواهد کرد
خُتک شدن	ختک شد	ختک می‌شد	ختک شده (است)	ختک می‌شود	ختک بشود (شود)	دارد ختک می‌شود	ختک بشو (شو)	ختک خواهد شد
ختک کردن (را)	ختک کرد	ختک می‌کرد	ختک کرده (است)	ختک می‌کند	ختک بکند (کند)	دارد ختک می‌کند	ختک بکن (کن)	ختک خواهد کرد
خوابیدن	خوابید	می‌خوابید	خوابیده (است)	می‌خوابد	بخوابد	دارد می‌خوابد	بخواب	خواهد خوابید
خواستن (را)	خواست	می‌خواست	خواسته (است)	می‌خواهد	بخواهد	دارد می‌خواهد	بخواه	خواهد خواست
خواندن (را)	خواند	می‌خواند	خوانده (است)	می‌خواند	بخواند	دارد می‌خواند	بخوان	خواهد خواند
خواهش کردن (از)	خواهش کرد	خواهش می‌کرد	خواهش کرده (است)	خواهش می‌کند	خواهش بکند (کند)	دارد خواهش می‌کند	خواهش بکن (کن)	خواهش خواهد کرد
خوب شدن (کسی) (باکسی)	خوب شد	خوب می‌شد	خوب شده (است)	خوب می‌شود	خوب بشود (شود)	دارد خوب می‌شود	خوب بشو (شو)	خوب خواهد شد
خوردن (را)	خورد	می‌خورد	خورده (است)	می‌خورد	بخورد	دارد می‌خورد	بخور	خواهد خورد
خوشحال شدن (از)	خوشحال شد	خوشحال می‌شد	خوشحال شده (است)	خوشحال می‌شود	خوشحال بشود (شود)	دارد خوشحال می‌شود	خوشحال بشو (شو)	خوشحال خواهد شد
خوشحال کردن (را)	خوشحال کرد	خوشحال می‌کرد	خوشحال کرده (است)	خوشحال می‌کند	خوشحال بکند (کند)	دارد خوشحال می‌کند	خوشحال بکن (کن)	خوشحال خواهد کرد
دادن (را)	داد	می‌داد	داده (است)	می‌دهد	بدهد	دارد می‌دهد	بده	خواهد داد
داشتن (را)	داشت	می‌داشت	داشته (است)	(می‌دارد) دارد	داشته باشد	-----	داشته باش	خواهد داشت
درد داشتن	درد داشت	درد می‌داشت	درد داشته (است)	(درد می‌دارد) درد دارد	درد داشته باشد	-----	درد داشته باش	درد خواهد داشت
درس خواندن (با، در)	درس خواند	درس می‌خواند	درس خوانده (است)	درس می‌خواند	درس بخواند	دارد درس می‌خواند	درس بخوان	درس خواهد خواند
دوختن (را، در)	دوخت	می‌دوخت	دوخته (است)	می‌دوزد	بدوزد	دارد می‌دوزد	بدوز	خواهد دوخت
دوست داشتن (را)	دوست داشت	دوست می‌داشت	دوست داشته (است)	دوست دارد	دوست داشته باشد	-----	دوست داشته باش	دوست خواهد داشت
دوش گرفتن	دوش گرفت	دوش می‌گرفت	دوش گرفته (است)	دوش می‌گیرد	دوش بگیرد	دارد دوش می‌گیرد	دوش بگیر	دوش خواهد گرفت
دیدن (را)	دید	می‌دید	دیده (است)	می‌بیند	ببیند	دارد می‌بیند	ببین	خواهد دید
راه رفتن (با)	راه رفت	راه می‌رفت	راه رفته (است)	راه می‌رود	راه برود	دارد راه می‌رود	راه برو	راه خواهد رفت
رسیدن (به)	رسید	می‌رسید	رسیده (است)	می‌رسد	برسد	دارد می‌رسد	برس	خواهد رسید
رفتن (به)	رفت	می‌رفت	رفته (است)	می‌رود	برود	دارد می‌رود	برو	خواهد رفت

مصدر	گذشته ساده	گذشته استمراری	گذشته نقلی	مضارع اخباری	مضارع التزامی	حال استمراری	امر مفرد	آینده
روشن شدن	روشن شد	روشن می شد	روشن شده (است)	روشن می شود	روشن بشود (شود)	دارد روشن می شود	روشن بشو (شو)	روشن خواهد شد
روشن کردن (را)	روشن کرد	روشن می کرد	روشن کرده (است)	روشن می کند	روشن بکند (کند)	دارد روشن می کند	روشن بکن (کن)	روشن خواهد کرد
زندگی کردن (با، در)	زندگی کرد	زندگی می کرد	زندگی کرده (است)	زندگی می کند	زندگی بکند (کند)	دارد زندگی می کند	زندگی بکن (کن)	زندگی خواهد کرد
زنگ زدن (از، به)	زنگ زد	زنگ می زد	زنگ زده (است)	زنگ می زند	زنگ بزند	دارد زنگ می زند	زنگ بزن	زنگ خواهد زد
سؤال کردن (از)	سؤال کرد	سؤال می کرد	سؤال کرده (است)	سؤال می کند	سؤال بکند (کند)	دارد سؤال می کند	سؤال بکن (کن)	سؤال خواهد کرد
ساختن (را)	ساخت	می ساخت	ساخته (است)	می سازد	بسازد	دارد می سازد	بساز	خواهد ساخت
ساکت شدن	ساکت شد	ساکت می شد	ساکت شده (است)	ساکت می شود	ساکت بشود (شود)	دارد ساکت می شود	ساکت بشو (شو)	ساکت خواهد شد
ساکت کردن (را)	ساکت کرد	ساکت می کرد	ساکت کرده (است)	ساکت می کند	ساکت بکند (کند)	دارد ساکت می کند	ساکت بکن (کن)	ساکت خواهد کرد
سرفه کردن	سرفه کرد	سرفه می کرد	سرفه کرده (است)	سرفه می کند	سرفه بکند (کند)	دارد سرفه می کند	سرفه بکن (کن)	سرفه خواهد کرد
سرما خوردن	سرما خورد	سرما می خورد	سرما خورده (است)	سرما می خورد	سرما بخورد	دارد سرما می خورد	سرما بخور	سرما خواهد خورد
سقوط کردن (از، به)	سقوط کرد	سقوط می کرد	سقوط کرده (است)	سقوط می کند	سقوط بکند (کند)	دارد سقوط می کند	سقوط بکن (کن)	خواهد کرد
سوار شدن (به)	سوار شد	سوار می شد	سوار شده (است)	سوار می شود	سوار بشود (شود)	دارد سوار می شود	سوار بشو (شو)	سوار خواهد شد
سوار کردن (را)	سوار کرد	سوار می کرد	سوار کرده (است)	سوار می کند	سوار بکند (کند)	دارد سوار می کند	سوار بکن (کن)	سوار خواهد کرد
شستن (را)	شست	می شست	شسته (است)	می شوید	بشوید	دارد می شوید	بشو (ی)	خواهد شست
شنا کردن (در)	شنا کرد	شنا می کرد	شنا کرده (است)	شنا می کند	شنا بکند (کند)	دارد شنا می کند	شنا بکن (کن)	شنا خواهد کرد
شنیدن (را)	شنید	می شنید	شنیده (است)	می شنود	بشنود	دارد می شنود	بشنو	خواهد شنید
شهید شدن (در)	شهید شد	شهید می شد	شهید شده (است)	شهید می شود	شهید بشود (شود)	دارد شهید می شود	شهید بشو (شو)	شهید خواهد شد
صحبت کردن (با، در)	صحبت کرد	صحبت می کرد	صحبت کرده (است)	صحبت می کند	صحبت بکند (کند)	دارد صحبت می کند	صحبت بکن (کن)	خواهد کرد
صدا زدن (را)	صدا زد	صدا می زد	صدا زده (است)	صدا می زند	صدا بزند	دارد صدا می زند	صدا بزن	صدا خواهد زد
صدا کردن (را)	صدا کرد	صدا می کرد	صدا کرده (است)	صدا می کند	صدا بکند (کند)	دارد صدا می کند	صدا بکن (کن)	صدا خواهد کرد
ضربه زدن (به)	ضربه زد	ضربه می زد	ضربه زده (است)	ضربه می زند	ضربه بزند	دارد ضربه می زند	ضربه بزن	ضربه خواهد زد
ظهور کردن	ظهور کرد	ظهور می کرد	ظهور کرده (است)	ظهور می کند	ظهور بکند (کند)	دارد ظهور می کند	ظهور بکن (کن)	ظهور خواهد کرد
عصبانی شدن (از)	عصبانی شد	عصبانی می شد	عصبانی شده (است)	عصبانی می شود	عصبانی بشود	دارد عصبانی می شود	عصبانی بشو (شو)	عصبانی خواهد شد

مصدر	گذشته ساده	گذشته استمراری	گذشته نقلی	مضارع اخباری	مضارع التزامی	حال استمراری	امر مفرد	آینده
عصبانی کردن (را)	عصبانی کرد	عصبانی می کرد	عصبانی کرده (است)	عصبانی می کند	عصبانی بکند (کند)	دارد عصبانی می کند	عصبانی بکن (کن)	عصبانی خواهد کرد
عطسه کردن	عطسه کرد	عطسه می کرد	عطسه کرده (است)	عطسه می کند	عطسه بکند (کند)	دارد عطسه می کند	عطسه بکن (کن)	عطسه خواهد کرد
عمل کردن (به)	عمل کرد	عمل می کرد	عمل کرده (است)	عمل می کند	عمل کند (کند)	دارد عمل می کند	عمل بکن (کن)	عمل خواهد کرد
عیادت کردن (از)	عیادت کرد	عیادت می کرد	عیادت کرده (است)	عیادت می کند	عیادت بکند (کند)	دارد عیادت می کند	عیادت بکن (کن)	عیادت خواهد کرد
فروختن (را)	فروخت	می فروخت	فروخته (است)	می فروشد	بفروشد	دارد می فروشد	بفروش	خواهد فروخت
فکر کردن (به)	فکر کرد	فکر می کرد	فکر کرده (است)	فکر می کند	فکر بکند (کند)	دارد فکر می کند	فکر بکن (کن)	فکر خواهد کرد
قدم زدن (در)	قدم زد	قدم می زد	قدم زده (است)	قدم می زند	قدم بزند	دارد قدم می زند	قدم بزن	قدم خواهد زد
قیام کردن	قیام کرد	قیام می کرد	قیام کرده (است)	قیام می کند	قیام بکند (کند)	دارد قیام می کند	قیام بکن (کن)	قیام خواهد کرد
کار کردن (در)	کار کرد	کار می کرد	کار کرده (است)	کار می کند	کار بکند (کند)	دارد کار می کند	کار بکن (کن)	کار خواهد کرد
گرامی داشتن (را)	گرامی داشت	گرامی می داشت	گرامی داشته (است)	گرامی می دارد	گرامی داشته باشد	دارد گرامی می دارد	گرامی داشته باش	گرامی خواهد داشت
گران شدن	گران شد	گران می شد	گران شده (است)	گران می شود	گران بشود (شود)	دارد گران می شود	-----	گران خواهد شد
گران کردن (را)	گران کرد	گران می کرد	گران کرده (است)	گران می کند	گران بکند (کند)	دارد گران می کند	گران بکن (کن)	گران خواهد کرد
گردش کردن (در)	گردش کرد	گردش می کرد	گردش کرده (است)	گردش می کند	گردش بکند (کند)	دارد گردش می کند	گردش بکن (کن)	گردش خواهد کرد
گفتن (را)	گفت	می گفت	گفته (است)	می گوید	بگوید	دارد می گوید	بگو	خواهد گفت
گوش کردن (را)	گوش کرد	گوش می کرد	گوش کرده (است)	گوش می کند	گوش بکند (کند)	دارد گوش می کند	گوش بکن (کن)	خواهد کرد
لازم داشتن (را)	لازم داشت	لازم می داشت	لازم داشته (است)	لازم دارد	لازم داشته باشد	-----	لازم داشته باش	لازم خواهد داشت
ماندن (در)	ماند	می ماند	مانده (است)	می ماند	بماند	دارد می ماند	بمان	خواهد ماند
متأسف بودن (از)	متأسف بود	متأسف می بود	متأسف بوده (است)	(متأسف می باشد) متأسف است	متأسف باشد	-----	متأسف باش	متأسف خواهد بود
مجروح شدن (در)	مجروح شد	مجروح می شد	مجروح شده (است)	مجروح می شود	مجروح بشود (شود)	دارد مجروح می شود	مجروح بشو (شو)	مجروح خواهد شد
مجروح کردن (را)	مجروح کرد	مجروح می کرد	مجروح کرده (است)	مجروح می کند	مجروح بکند (کند)	دارد مجروح می کند	مجروح بکن (کن)	مجروح خواهد کرد
محروم بودن (از)	محروم بود	محروم می بود	محروم بوده (است)	(محروم می باشد) محروم است	محروم باشد	-----	محروم باش	محروم خواهد بود
مریض بودن	مریض بود	مریض می بود	مریض بوده (است)	(مریض می باشد) مریض است	مریض باشد	-----	مریض باش	مریض خواهد بود
مریض شدن	مریض شد	مریض می شد	مریض شده (است)	مریض می شود	مریض بشود (شود)	دارد مریض می شود	مریض بشو (شو)	مریض خواهد شد

مصدر	گذشته ساده	گذشته استمراری	گذشته نقلی	مضارع اخباری	مضارع التزامی	حال استمراری	امر مفرد	آینده
مسئول بودن	مسئول بود	مسئول می‌بود	مسئول بوده (است)	(مسئول می‌باشد) مسئول است	مسئول باشد	-----	مسئول باش	مسئول خواهد بود
مسافرت کردن (با)	مسافرت کرد	مسافرت می‌کرد	مسافرت کرده (است)	مسافرت می‌کند	مسافرت بکند (کند)	دارد مسافرت می‌کند	مسافرت بکن (کن)	مسافرت خواهد کرد
مسواک زدن (را)	مسواک زد	مسواک می‌زد	مسواک زده (است)	مسواک می‌زند	مسواک بزند	دارد مسواک می‌زند	مسواک بزَن	مسواک خواهد زد
مشاهده کردن (را)	مشاهده کرد	مشاهده می‌کرد	مشاهده کرده (است)	مشاهده می‌کند	مشاهده بکند (کند)	دارد مشاهده می‌کند	مشاهده بکن (کن)	مشاهده خواهد کرد
مطالعه کردن (را)	مطالعه کرد	مطالعه می‌کرد	مطالعه کرده (است)	مطالعه می‌کند	مطالعه بکند (کند)	دارد مطالعه می‌کند	مطالعه بکن (کن)	مطالعه خواهد کرد
معاینه کردن (را)	معاینه کرد	معاینه می‌کرد	معاینه کرده (است)	معاینه می‌کند	معاینه بکند (کند)	دارد معاینه می‌کند	معاینه بکن (کن)	معاینه خواهد کرد
معذرت خواستن (از)	معذرت خواست	معذرت می‌خواست	معذرت خواسته (است)	معذرت می‌خواهد	معذرت بخواهد	دارد معذرت می‌خواهد	معذرت بخواه	معذرت خواهد خواست
معرفی کردن (را)	معرفی کرد	معرفی می‌کرد	معرفی کرده (است)	معرفی می‌کند	معرفی بکند (کند)	دارد معرفی می‌کند	معرفی بکن (کن)	معرفی خواهد کرد
ملاقات کردن (با، را)	ملاقات کرد	ملاقات می‌کرد	ملاقات کرده (است)	ملاقات می‌کند	ملاقات بکند (کند)	دارد ملاقات می‌کند	ملاقات بکن (کن)	ملاقات خواهد کرد
منتظر شدن	منتظر شد	منتظر می‌شد	منتظر شده (است)	منتظر می‌شود	منتظر بشود (شود)	دارد منتظر می‌شود	منتظر بشو (شو)	منتظر خواهد شد
میل کردن (را)	میل کرد	میل می‌کرد	میل کرده (است)	میل می‌کند	میل بکند (کند)	دارد میل می‌کند	میل بکن (کن)	میل خواهد کرد
نشان دادن (را)	نشان داد	نشان می‌داد	نشان داده (است)	نشان می‌دهد	نشان بدهد	دارد نشان می‌دهد	نشان بده	نشان خواهد داد
نشستن (بر)	نشست	می‌نشست	نشسته (است)	می‌نشیند	بنشیند	دارد می‌نشیند	بنشین	خواهد نشست
تظافت کردن (را)	تظافت کرد	تظافت می‌کرد	تظافت کرده (است)	تظافت می‌کند	تظافت بکند (کند)	دارد نظافت می‌کند	تظافت بکن (کن)	تظافت خواهد کرد
نفس کشیدن	نفس کشید	نفس می‌کشید	نفس کشیده (است)	نفس می‌کشد	نفس بکشد	دارد نفس می‌کشد	نفس بکش	نفس خواهد کشید
نماز خواندن (در)	نماز خواند	نماز می‌خواند	نماز خوانده (است)	نماز می‌خواند	نماز بخواند	دارد نماز می‌خواند	نماز بخوان	نماز خواهد خواند
نوشتن (را)	نوشت	می‌نوشت	نوشته (است)	می‌نویسد	بنویسد	دارد می‌نویسد	بنویس	خواهد نوشت
ورزش کردن (در، با)	ورزش کرد	ورزش می‌کرد	ورزش کرده (است)	ورزش می‌کند	ورزش کند (کند)	دارد ورزش می‌کند	ورزش بکن (کن)	ورزش خواهد کرد
وضو گرفتن (در)	وضو گرفت	وضو می‌گرفت	وضو گرفته (است)	وضو می‌گیرد	وضو بگیرد	دارد وضو می‌گیرد	وضو بگیر	وضو خواهد گرفت
یاد گرفتن (از)	یاد گرفت	یاد می‌گرفت	یاد گرفته (است)	یاد می‌گیرد	یاد بگیرد	دارد یاد می‌گیرد	یاد بگیر	یاد خواهد گرفت
یاری کردن (را)	یاری کرد	یاری می‌کرد	یاری کرده (است)	یاری می‌کند	یاری کند (کند)	دارد یاری می‌کند	یاری بکن (کن)	یاری خواهد کرد